

گذری بر زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی

علی اصغر احمدی^۱

چکیده:

شیخ طوسی (۳۸۵ - ۴۶۰ هـ. ق) از نخستین دانشمندان اسلامی است که اندیشه تقریب و وحدت اُمت اسلامی در سر داشت. او قطعات درخشانی را هم‌چون مرجعیت شیعه بعد از وفات سید مرتضی، برپایی کرسی درس در بغداد برای علمای شیعه و سنی به طور مشترک، تأسیس حوزه علمیه نجف اشرف، تألیف آثار ارزشمندی چون التهذیب، الاستبصار، الرجال، الفهرست، اختیار کتاب الکشی، الخلاف و... در کارنامه زندگی ۷۵ ساله خود دارد.

در این مقاله از میان زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی به هفت مورد زیر اشاره می‌شود:

- ۱ - استفاده از نظرات اهل سنت؛
- ۲ - ایجاد فقه مقارن؛
- ۳ - داشتن وسعت مشرب فکری و آزاداندیشی؛
- ۴ - توجه به قیاس و استحسان اهل سنت؛
- ۵ - دوری از تعصب قومی و نژادی؛
- ۶ - مبارزه با جمود فکری و جامدان و قشریان؛
- ۷ - توجه به عقل.

کلید واژه‌ها: شیخ طوسی، تقریب، اندیشه تقریب، زمینه تقریب

مقدمه

امروزه هیچ امری در میان مسلمانان مهم‌تر از وحدت و یک‌پارچگی اُمت اسلامی نیست. به لطف خدا اکنون تمامی استوانه‌های اصیل فکری و اندیشمندان و متفکران درجه یک مسلمان در فرقه‌ها و مذاهب گوناگون، به اصل وحدت و تقریب بین مسلمانان و اندیشه‌های اسلامی به عنوان یک ضرورت ناگزیر، توجه و اهتمام ویژه‌ای دارند، زیرا می‌دانند اُمت اسلامی در طول بیش از چهارده قرن از تولد اسلام، چه آسیب‌های سخت و جانکاهی را از ناحیه دشمنان و بدخواهان این دین پاک، به خاطر از هم‌گسیختگی مسلمانان، تجربه کرده است.

۱- کارشناس ارشد کلام شیعی

خوشبختانه عالمان و اندیشمندان طراز اول در میان مذاهب اسلامی، از همان ابتدا به وحدت امت اسلامی با وجود اختلافات گسترده آنها به عنوان یک اصل ضروری و امر حیاتی نگاه می‌کردند. در این میان نقش برخی از این عالمان و متفکران، برجسته‌تر است. شیخ طوسی یکی از عالمان برجسته‌ای است که در این میدان، به حق گوی سبقت را از دیگران به شایستگی ربوده است. در این نوشتار، نقش علمی و عملی شیخ طوسی در تقریب بین مذاهب اسلامی، بررسی می‌گردد.

شرح مختصری از زندگی و خدمات علمی شیخ طوسی

نام او ابو جعفر محمد بن حسن بن علی بن حسن است که معروف به «شیخ الطایفه» و «شیخ طوسی» است. در رمضان سال ۳۸۵ در طوس به دنیا آمد و در بیست و دوم محرم الحرام سال ۴۶۰ از دار دنیا رفت. در ۲۳ سالگی به عراق هجرت کرد و در بغداد ساکن شد. ابتدا نزد شیخ مفید مقدمات علوم را فرا گرفت و پس از وفات او در سال ۴۱۳ به مدت ۲۳ سال از محضر سید مرتضی که به جای شیخ مفید بر کرسی مرجعیت تکیه زد بهره برده و به شدت مورد توجه او واقع گردید. پس از وفات سید مرتضی، شیخ طوسی، مرجعیت شیعه را به عهده گرفت و محل توجه عام و خاص شد. منزلش در کرخ بغداد، محل رفت و آمد کسانی بود که از راه دور و نزدیک برای حل مسائل و مشکلات خویش به ایشان مراجعه می‌کردند.

یکی از نکات برجسته شخصیت شیخ طوسی آن است که قادر بالله - خلیفه وقت - با وجود این که سنی مذهب بود، برای شیخ در بغداد - مرکز علم و اندیشه آن روز - کرسی درس برپا کرد و این امر از مقام علمی و اشراف ویژه شیخ بر مباحث مشترک علمی شیعه و سنی در آن روز حکایت دارد.^۱

چگونگی تأسیس حوزه علمیه نجف به وسیله شیخ طوسی، از قطعات شنیدنی تاریخ زندگی سراسر برکت این مرد بزرگ است. وقتی فتنه سلجوقیان سنی مذهب متعصب و درگیری بین شیعه و سنی در سال ۴۴۷ هـ. ق به اوج خود رسید، حاکمان سلجوقی از هیچ اقدام خصمانه‌ای علیه شیعیان، دریغ نکردند. یکی از این اقدامات وحشیانه، از بین بردن آثار ارزشمند علمی و فرهنگی بود. آنان کتابخانه شیخ را که ده هزار جلد کتاب نفیس داشت، سوزاندند و منزل او را غارت کردند. همین امر موجب شد که شیخ به ناچار از بغداد به نجف اشرف هجرت کند و در آنجا اقامت گزیند و حوزه علمیه نجف اشرف را

۱ - البته تسلط زایدالوصف شیخ طوسی به تمامی مبانی فقهی، اصولی، کلامی و تفسیری مذاهب چهارگانه حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی و برگزاری کرسی درس مشترک بین طرفداران این مذاهب و مذهب شیعه جعفری باعث شده بود که کج‌اندیش ساده‌لوحی چون تقی‌الدین سبکی ایشان را شافعی مذهب بداند و در جلد سوم طبقات الشافعیه الکبری بنویسد: «ابوجعفر طوسی فقیه شیعه از نویسندگان آنان است که در مذهب شافعی نشو و نما یافته بود و ما او را بر مذهب شافعی می‌شناسیم...»؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۲.

تأسیس نماید؛ حوزه‌ای که بعدها به عنوان بزرگ‌ترین مرکز علمی جهان تشیع، پرآوازه گردید. (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷ش، ص ۸۱ - ۸۲؛ حسینی دشتی، ۱۳۶۹ش، ج ۳، ص ۱۴۵۵ - ۱۴۵۶؛ صفا، ۱۳۶۹ش، ج ۲، ص ۱۹۷؛ دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل «شیخ طوسی»)

شیخ طوسی دارای تألیفات متنوع و متعددی است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱ - «التهایه» در فقه که در گذشته جزء کتاب‌های درسی طلاب و رساله عملیه شیخ بوده است؛
۲ - «المسوط» که فقه را وارد مرحله جدیدی کرده و در عصر خود مشروح‌ترین کتاب فقهی بوده است؛

۳ - «الخلاف» که هم آرای فقهای اهل سنت در آن است و هم آرای شیعه؛

۴ - دو کتاب حدیثی و به اصطلاح دو اصل^۱ حدیثی شیعه به نام‌های «تهذیب» و «استبصار»؛

۵ - سه اصل رجالی به نام‌های «الرجال»، «الفهرست» و «اختیار کتاب الکشی»؛

۶ - تفسیر «تبیان» در بیست مجلد؛

۷ - «مصباح المتهدج» در اخلاق و سیر و سلوک و...

موقعیت علمی ممتاز شیخ طوسی چنان بود که بیشتر علمای شیعه بعد از او به نوعی از افکار و اندیشه‌های فقهی، کلامی و تفسیری او تأثیر پذیرفته‌اند؛ به طوری که به ویژه در فقه هیچ یک از فقها جرأت نمی‌یافتند در برابر آرای شیخ، نظرات خود را ابراز نمایند. معروف است تا حدود یک قرن پیش اگر در فقه، لفظ «شیخ» را به طور مطلق به کار می‌بردند، منظور «شیخ طوسی» و اگر «شیخان» می‌گفتند مقصود «شیخ مفید» و «شیخ طوسی» بوده است. شیخ طوسی در عین حال که از طرف شیعیان، عنوان «شیخ الطایفه» یافته، مورد توجه علمای اهل سنت نیز بوده است و از هر دو طایفه، شاگردان بسیاری در محضرش دانش آموختند. (ر.ک: حسینی دشتی، پیشین، ص ۱۴۵۶؛ مطهری، پیشین، ص ۸۲؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲ش، ص ۷۰ و ۸۲؛ روضاتی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۵۸-۲۵۷).

زمینه‌های تقریب در اندیشه شیخ طوسی

با وجود این که شیخ طوسی جزء استوانه‌های عقیدتی و فقهی شیعه به شمار می‌رود و به طور قطع در دفاع از اصول و آرمان‌های شیعه دزه‌ای کوتاهی نکرده است اما هرگز این دفاع قاطعانه از مکتب، به

۱- منظور از «اصل» در هر مذهب اعتقادی، کتابی است که از اصل روایت و حدیث، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی، برگرفته شده و محل مراجعه علما و بزرگان آن مذهب است و هیچ شک و شبهه‌ای در مستندات آن وجود ندارد؛ برای مثال، در بین اهل سنت «صحاح سته» چنین موقعیتی دارد؛ در مذهب تشیع چهار مرجع احکام یا اصطلاحاً «اصول اربعه» و چهار مرجع تراجم به نام «اصول اربعه رجالیه» وجود دارد که سهم شیخ طوسی در این میان بسیار چشم‌گیر است، زیرا از مجموع هشت اصل و مرجع مهم، پنج مرجع از اوست.

معنای نادیده گرفتن وجوه مشترک بین شیعه و سنی نیست؛ از این رو به نظر می‌رسد شیخ طوسی به دنبال یافتن مشترکات اصیل میان این دو مذهب عقیدتی - سیاسی در آیات و روایات و حوزه‌های منقول و معقول بوده است. گرچه شاید اندیشه تقریب به این‌گونه که الآن مطرح است در زمان شیخ طوسی مطرح نبود اما با مراجعه به برخی آثار و مستندات و تحقیقات، می‌توان زمینه‌های تقریب را در اندیشه شیخ الطایفه مشاهده نمود. ما زمینه‌های تقریبی را در اندیشه شیخ طوسی در هفت مورد فهرست کردیم که البته شاید برخی از آن‌ها را بتوان در یک عنوان خلاصه کرد.

۱ - استفاده از نظرات اهل سنت

به نظر می‌رسد بین دانش وسیع اسلامی و اندیشه تقریب، نوعی تناسب مستقیم وجود دارد؛ به این معنا که هر قدر معلومات دانشمندان اسلامی در حوزه‌های گوناگون دینی بیشتر می‌شود، خود به خود نوعی گرایش به سوی تقریب بین مذاهب در آنها دیده می‌شود. شیخ شلتوت و آیت‌الله العظمی بروجردی از علمای طراز اول معاصر اهل سنت و شیعه، نمونه بارز این ادعا هستند. شیخ طوسی هم با داشتن معلومات وسیع علمی و غور بسیار زیاد در علوم اسلامی، به این نقطه رسیده بود. یکی از ابتکارات شیخ، استفاده از نظرات اهل سنت و استنتاج از مسائل کلامی، فقهی و تفسیری آنان است. این استفاده گرچه دو جهت مثبت و منفی می‌تواند داشته باشد اما انصاف این است که جهت مثبت آن، غالب می‌باشد. این که یک عالمی در سطح شیخ طوسی از دیدگاه‌های اهل سنت در کتاب‌ها و تجزیه و تحلیل‌های خویش یاد می‌کند، می‌تواند زمینه‌ای برای اتحاد فکری و عملی مسلمانان و اعتمادسازی بیشتر جهت تفاهم در امور اعتقادی مشترک تلقی شود.

در تفسیر التبیان، از تفاسیر اهل سنت بسیار نقل شده است، به طوری که تعداد معروف‌ترین رجالی که از آنها در این تفسیر شریف مطالبی نقل می‌شود بیش از ده نفر است؛ افرادی چون حسن بصری، قتاده بن دعاسه، ابوعلی جبائی، ابراهیم زجاج، ضحاک بن مزاحم، ابوالقاسم عبدالله بن احمد بلخی، علی بن عیسی رمانی، ابوعبید جراح، محمد بن جریر طبری و عبدالملک بن عبدالعزیز بن جریر. (ر. ک: کریمان، ج ۳، ص ۲۲۹-۲۳۰).

برای مثال، در این تفسیر، ذیل آیه «الْيَوْمَ اكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ» (مانده/۳) آمده است: ابن عباس و سدی و اکثر مفسران معتقدند معنای آیه این است که: من برای شما فرایض، حدود، امر و نهی و حلال و حرامم را بنابر آنچه نازل کردم کامل نمودم، از این رو نه در آن زیادتی وجود دارد نه نقصی که به واسطه نسخ بعد از این روز متوجه آن گردد... حکم و سعید بن جبیر و قتاده می‌گویند معنای آیه این است که: من برای شما حجتتان را کامل کردم ... و زجاج می‌گوید: اکملت لکم دینکم، یعنی شما را از ترس دشمنانتان نگه داشته‌ام و شما را بر آنها مسلط نموده‌ام ... آن‌گاه پس از نقل این نظرات، روایتی از امام

محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام ذکر نموده و دلالت آیه را به نصب امام علی علیه السلام از طرف حضرت رسول صلی الله علیه و آله و ماجرای غدیر خم بیان می‌نماید. (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۳۵).

کتاب «خلاف» شیخ که در واقع مصدر طرح نظرات فقهی مذاهب گوناگون اهل سنت است و فلسفه اصلی تدوین این کتاب نیز به شمار می‌رود پر است از آرای مختلف پیشگامان سنت و جماعت که در این جا برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنیم. در کتاب الحج، جلد سوم، مسئله ۱۴۰ چنین آمده است: «السعی بین صفا و المروه رکن، لایتم الحج الا به... و قال ابن مسعود و ابن عباس و ابی بن کعب: السعی سنه و لیس بواجب، و قال ابوحنیفه: واجب و لیس برکن و هو بمنزله المبیث بالمزدلفه». (پیشین، ص ۴۳۵).

و نیز در جلد چهارم «الخلاف»، مسئله دوم، کتاب النکاح آمده است: «النکاح مستحب غیر واجب للرجال و النساء و به قال ابوحنیفه و اصحابه، و مالک، و الشافعی، و اللیث بن سعد، و الاوزاعی، و کافه العلماء، و قال داود: النکاح واجب. (پیشین، ج ۴، ص ۲۴۵-۲۴۶).

البته این نکته جای بحث دارد که آیا استفاده از احادیث اهل سنت و تجزیه و تحلیل آنها به وسیله علمایی چون شیخ طوسی، زمینه ورود فرهنگ‌های انحرافی بعدی را فراهم کرده است یا نه. آن چه قابل ذکر است این است که شیخ طوسی در آن فضای خاص تعصب وجود بین شیعه و سنی، با جرأت تمام از احادیث اهل سنت یاد می‌کرد. این همان اندیشه بلندی است که ضمن توجه به اصول مذهب خود و پای‌بندی بسیار زیاد به مبانی آن، برای رعایت انصاف و اعتدال، از نظریات مخالف نیز بهره می‌برد تا شاید بتواند به این وسیله این دو جریان فکری و عقیدتی را به هم نزدیک نماید.

۲ - ایجاد فقه مقارن

در میان مؤلفه‌های تقریبی شیخ طوسی، تأسیس فقه مقارن، بی‌سابقه و بی‌نظیر است. فقه مقارن یعنی بیان نظرات فقهی اهل سنت در کنار مباحث فقهی شیعه. این نگاه به مباحث فقهی ظاهراً قبل از شیخ طوسی در میان شیعه و سنی به این صراحت یا اصلاً وجود نداشت یا کمتر وجود داشت. شیخ با رصد کردن فضای علمی بی‌نظیری که به خاطر تعدد مذاهب و اختلاف گروه‌ها در بغداد ایجاد شده بود و به نوعی علم کلام را با پیشتازی متکلمان امامیه و معتزله، دگرگون کرد، دست به یک اقدام تازه زد که همان ایجاد فقه و اصول مقارن بود.

عرصه عملی و اصلی این فکر، کتاب «الخلاف» بود که در آن ضمن مباحث فقهی شیعه، آرای عمده مذاهب فقهی اهل سنت نیز به طور دقیق مطرح می‌شود و حتی اقوال و فتاوای نادر آنها هم بیان می‌گردد؛ چیزی که در گذشته در حوزه‌های علمیه شیعه، سابقه‌ای نداشت است. (ر.ک: موسویان، ۱۳۸۰ش، ص ۲۲ - ۲۳).

پیشینه فقه مقارن را در اسلام باید در مکتب جعفری جست‌وجو کرد، زیرا نخستین مکتب فقهی که از دامن اسلام سربرآورد، مکتب فقه جعفری بود.

امام صادق علیه السلام رئیس این مکتب با صاحبان اندیشه‌های مختلف کلامی و فقهی، مناظره می‌کرد و آرای فقه‌های حجاز و عراق^۱ را به تفصیل بیان کرده و رأی درست را درباره هر مسئله اظهار می‌نمود، از این رو امام صادق علیه السلام را باید مؤسس فقه مقارن دانست. (ر.ک: خزائلی، ۱۳۶۲، ص ۴۲۳).

تاریخ فقه نشان می‌دهد که اولین کتاب مستقل در باب فقه مقارن، کتابی است که «محمد بن احمد بن جنید اسکافی»، دانشمند قرن چهارم نوشته است و مهم‌ترین کتاب پس از کتاب «جنید اسکافی» کتاب «خلاف» شیخ طوسی است که در نوع خود بی‌نظیر است. (پیشین، ص ۴۲۴).

ویژگی‌های فقه مقارن که به نوعی حقوق تطبیقی^۲ در اسلام به شمار می‌رود، عبارت است از:

۱ - در فقه مقارن، درجه‌بندی قوانین از جهت فائده یا مصلحت، مطرح نیست بلکه ادعای هر فقیه‌ای آن است که حکم الهی را تنها وی و هم عقیده‌هایش یافته‌اند و عقاید دیگران نادرست است. در عین حال، بعضی معتقدند هر چند مجتهد، ممکن است حکم واقعی را به‌دست نیاورد، اما چون کوشش خود را به‌کار برده، دارای پاداش و ثواب است؛

۲ - فقه مقارن، به معاملات و حدود و جنایات اختصاص ندارد بلکه عبادات را نیز شامل می‌گردد؛

۳ - به وسیله فقه مقارن، مواردی را به دست می‌آوریم که فقها نسبت به آن اتفاق نظر دارند و به اصطلاح فقهی، یکی از نتایج فقه مقارن، تحصیل موارد اجماع عامه و خاصه یا اجماع عامه یا اجماع خاصه است. (پیشین، ص ۴۲۱ - ۴۲۲)؛

بنای شیخ طوسی در کتاب «خلاف» بر این بوده است که آرای همه فقه‌های مذاهب مخالف را گردآوری نماید و اگر در مسئله‌ای میان فقه‌های شیعه، اختلاف وجود داشت، بیان کند و در پایان هر مسئله، نظر صحیح را اظهار نماید. (ر.ک: مقدمه «الخلاف»، ج ۱، ص ۴۵). در این کتاب که ۷۸ باب دارد،

۱- بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعضی از تابعین که به امامت تن نداده بودند با هم اختلافاتی داشتند که هر گروهی مطابق روش و اصول خاص درباره آن مسائل، فتوا می‌داد. به علاوه بعضی احکام که عنصر محیط یا زمان در آنها مؤثر بود، برای مثال، در حجاز به نوعی مطرح می‌شد و در عراق یا خراسان رنگ دیگری به خود می‌گرفت. [ر.ک: خزائلی، پیشین، ص ۴۲۳].

۲- «حقوق تطبیقی» اثر تازه‌ای است که از قرن نوزدهم در اروپا پدیدار شده است و روز به روز هم قلمرو آن وسعت می‌یابد و علمای حقوق در موضوع و هدف آن با هم اختلاف دارند. در نظر بعضی موضوع حقوق تطبیقی، مسائل بین‌الملل خصوصی است؛ به این معنا که حقوق کشورها را با هم مطابقت می‌دهند. گروهی دیگر از متخصصان حقوق می‌گویند مقصود از حقوق تطبیقی، روش تطبیقی است و این روش برای مطالعه در کیفیت ظهور و توسعه مؤسسات حقوقی و تحولاتی که هر کدام را عارض گردیده است، سودمند می‌باشد. [ر.ک: خزائلی، پیشین، ص ۴۲۰ - ۴۲۱].

تمامی زمینه‌های لازم برای ایجاد فقه مقارن، وجود دارد. از این رو فقهای بزرگ چون علامه حلی در «تذکره الاحکام» و «مختلف الشیعه» به پیروی از شیخ، حق فقه مقارن را ادا کردند. (ر.ک: پیشین، ص ۴۰۶).

۳- داشتن وسعت مشرب فکری و روح آزاداندیشی

گستره بیشن شیخ طوسی نسبت به فقهای پیش از خود بیشتر است؛ به این معنا که در مباحث علمی، نگاه خود را به دایره کتاب‌های معتبر شیعی، محدود نمی‌کند، بلکه بر خلاف دیگران از یک طرف همه احادیث اهل سنت را مردود نمی‌داند و از طرف دیگر برخی از احادیث منقول شیعه، حتی تعدادی از احادیثی که در کتاب کافی نقل شده است، را نمی‌پذیرد. این روح آزاداندیشی شیخ طوسی است که در جامعه بسته آن روز، چنین فکر باز و روشنی داشته است و در حالی که پیروان مذاهب، بر طبل جنگ و ستیز می‌کوبیدند و حاضر بودند برای به کرسی نشاندن مشرب فکری خود، دست به هر جنایتی بزنند و به هر راهی متوسل شوند، او با وسعت مشرب فکری‌اش به دنبال اثبات حق بود و از مذهب خود، کورکورانه دفاع نمی‌کرد، بلکه گستره اندیشه‌اش را برای ورود هر مذهب فکری و اعتقادی باز نگه می‌داشت تا از مجموع این آرا به یک جمع‌بندی واقع بینانه‌تری دست یابد.

با این که شیخ در تفسیر تبیان، آن‌جا که درباره آیه‌ای نظر خلاف وجود داشته باشد، نظرهای مذاهب را مطرح، آن‌گاه نظر امامیه را بیان می‌نماید، اما در بعضی از جاها تنها به نقل اقوال بسنده می‌کند و همین امر می‌تواند به معنای پذیرش نظرات آنان تلقی شود؛ برای مثال، ذیل آیه ۱۷۷ اعراف (من یهدی الله فهو المهتدی...) آمده است: «قال الجبائی: معنی الآیه من یهدیه الله الی نیل الثواب... فهو المهتدی للایمان و الخیر... و قال البلخی: المهتدی هو الذی هداه الله فقبل الهدایه و اجاب الیها... و قیل: معنی «من یهدی الله» من یهدیه الله بهدایتة «فهوالمهتدی» (طوسی، پیشین، ج ۵، ص ۳۵؛ ر.ک: فاضل، پیشین، ص ۵۳۷).

۴- توجه به قیاس و استحسان اهل سنت

قیاس و استحسان از جمله ممیزات فقهی غالب مذاهب اهل سنت است و در فقه شیعه از این اصول هرگز استفاده نمی‌شود؛ با این همه شیخ طوسی در کتاب خلاف خود، از این دو استفاده کرده است. گرچه شیخ به هیچ وجه، قیاس و استحسان را در فقه شیعه نپذیرفته است و تنها وجه قابل قبول برای استفاده از این دو در کتاب خلافتش، در پیش گرفتن روش منطقی جدل در برابر فقیهان مذاهب دیگر اسلامی است، با این همه، طرح این دو اصل فقهی غیر شیعی در کتابش، از اندیشه بلند تقریبی او حکایت می‌کند. سید مرتضی در «انتصار» تصریح می‌کند که شیخ طوسی در مسائل الخلاف خود، برای اثبات مذهب خود در برابر دیگران، به قیاس استدلال می‌کند. (ر.ک: صدر، ۱۳۶۲ش، ص ۴۱۳).

پر واضح است که چنین اندیشه‌ای گرچه به مذاق بسیاری از ظاهرگرایان شیعی خوش نمی‌آید، اما برای اثبات حقانیت مذهب اصیل و نزدیک شدن به اندیشه واحد اسلامی، مناسب‌تر است، زیرا از صافی‌های گوناگون ضد و نقیض به سلامت بیرون آمده است.

۵- دوری از تعصب قومی و نژادی و فکری

در برشمردن زمینه‌های ایجاد تقریب بین مذاهب، بدون شک، تعصب به معنای طرفداری شدید، بی‌چون و چرا و غیر منطقی، آفت بزرگی است، زیرا اصلاً مجالی برای هم‌اندیشی، وحدت و هم‌بستگی به وجود نمی‌آورد. به همین دلیل، عبدالحسین مغنیه از اعضای تقریب بین مذاهب اسلامی، در آغاز مجموعه‌ای به نام «دعوه التقرب» که مقالات جمعی از اندیشمندان و نویسندگان در آن درج شده است، ضمن بیان ضرورت تقریب، پنج هدف را برای منشورات جماعه‌التقرب، برمی‌شمارد که هدف چهارم آن، جنگ و ستیز با تعصب ناپسند است؛ بیان مغنیه چنین است: «با تعصب ناپسند مبارزه می‌کنیم، زیرا تعصب، عقل‌ها و قلب‌ها را کور می‌کند و متون قرآن و سنت نبوی از تعصب نهی و به تسامح دینی و مذهبی و برادری بین مردم دعوت می‌نماید». (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۶).

امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه به شدت از تعصب کورکورانه نهی کرده و می‌فرماید: «من در اعمال و رفتار جهانیان نظر دوختم، هیچ کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب ورزد جز با دلیلی که با آن ناآگاهان را بفریبید و یا برهانی آورد در عقل سفیهان نفوذ کند... (دستی، ۱۳۶۲ش، ص ۳۹۳). مردان بزرگ در میدان اندیشه و عمل، اهل تعصب، به معنای جانب‌داری کورکورانه از عقاید و اعمال خویش، نیستند. شهید مطهری در مقاله «الهامی از شیخ الطایفه» به این ویژگی شیخ طوسی به طور صریح اشاره کرده است. در آن جا آمده است: «شیخ طوسی، صد در صد یک عالم اسلامی است. جز رنگ اسلامی، رنگ دیگری ندارد. او از کسانی است که از برکت تعلیمات اسلامی پا بر روی تعصبات قومی و نژادی گذاشتند، شعوبی‌گری‌ها را محکوم کردند و مقیاس‌های جهانی و انسانی را محترم شمردند.» (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۲ش، ص ۳۳۹).

حضرت آیت‌الله جناتی به عنوان یکی از فعالان عرصه تقریب در کتاب «هم‌بستگی ادیان و مذاهب اسلامی» درباره پیامدهای مثبت کنارگذاشتن تعصبات به مسئله جالب توجهی اشاره می‌کند که بدین شرح است: «ابوحنیفه پیشوای مذهب حنفیان قائل به جواز قرائت قرآن در نماز به فارسی بود. اکثر فقهای مذاهب در فقه مقارن خود این نظر را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و این موجب شد که فقهای متأخر حنفی به رأی سایر مذاهب نزدیک‌تر شوند. شیخ محمد شلتوت، شیخ الازهر مصر با این‌که خود حنفی بود به جای تعصب‌ورزی نسبت به دیدگاه پیشوای مذهب فقهی خود با اخلاص تمام به اجماع فقیهان دیگر مذاهب فقهی پیوست و اعلام داشت که قرآن اسمی است برای لفظ و معنای آن - حتی در قرائت نماز - و نمی‌توان حمد و سوره را به غیر عربی خواند. (جناتی، ۱۳۸۱ش، ص ۳۷۷).

۶- مبارزه با جمود فکری

رابطه بسیار روشنی بین جمود فکری و تعصب کورکورانه از یک طرف و این دو با نفهمیدن حقیقت دین از طرف دیگر و این سه با عدم پذیرش آهنگ اتحاد بین مذاهب از طرف سوم وجود دارد. کسی که فکرش بسته است همه چیز را در دایره محدود نگاه خویش می‌بیند و توجیه می‌کند، از این رو قدرت تشخیص ندارد و نمی‌تواند فکر و اندیشه مقابل خود را هر چند درست باشد، تحمل کند. نمونه بارز فکر جامد در تاریخ اسلام، خوارج هستند. آنها آن‌چنان در لاک فکر محدود و جاهلانه خود فرو رفته بودند که حتی حاضر نبودند امیرمؤمنان را با آن اندیشه بلندش تحمل کنند چه برسد به دیگران.

بنابراین در طول تاریخ، علمای طراز اول با اندیشه‌های خشک و بی‌روح و انسان‌های جامد و ظاهرنگر، سروکار داشتند و همیشه هم با آنها مبارزه می‌کردند. در بین علمای معاصر، حضرت امام خمینی علیه السلام به شدت با چنین اندیشه‌هایی برخورد کرده و هرگز بنای مماشات و مسامحه با آنها را در پیش نگرفته است. نمونه بارز موضع‌گیری سخت حضرت امام علیه السلام علیه عالمان قشری و ظاهرگرا، در «منشور روحانیت» ایشان آمده است.^۱

شیخ طوسی به عنوان یکی از اولین مطرح‌کنندگان اندیشه تقریب، به مبارزه بی‌امان خود با جمود فکری پرداخته است. شیخ در مقدمه کتاب نفیس خود، «المبسوط»، از گروه جامدفکران گله نموده و می‌گوید: «من همیشه می‌شنیدم که فقهای اهل جماعت، فقه ما شیعیان امامیه را تحقیر می‌کردند... همواره در اشتیاق به سر می‌بردم که کتابی تألیف کنم متضمن فروع، ولی اشتغالات و گرفتاری‌ها مانع بود و از جمله چیزهایی که عزم مرا می‌کاست این بود که اصحاب ما کمتر، رغبت به این کار نشان می‌دادند، زیرا با متون اخبار و صریح الفاظ روایات خو گرفته بودند و حتی حاضر نبودند لفظی تغییر کند. کار جمود به آن جا کشیده شده بود که اگر لفظی به جای لفظ دیگر قرار می‌گرفت، در شگفت می‌شدند و فهمشان از درک آن معنا کوتاهی می‌کرد.» (مطهری، ۱۳۶۲ش، ص ۳۵۶ - ۳۵۷). شهید مطهری با اشاره به حریت شیخ طوسی می‌نویسد: «سراسر وجود شیخ طوسی از ایمان اسلامی و شور اسلامی و علاقه به خدمت به اسلام موج می‌زند، او یک دل‌باخته سراز با نشاخته است ولی این شور ایمان و دل‌باختگی هرگز او را به سوی جمود و تقشر سوق نداده است، او با جامدان و قشربان نبرد کرده است...» (پیشین، ص ۳۳۳). در این فضای خشک اندیشه و زندانی شدن روح آزاد، آزاداندیشی شیخ طوسی زمینه مناسبی برای ترویج تعالیم بلند اسلامی ایجاد کرده بود.

۱- برای مثال، در صفحه‌ی ۸ از این منشور آمده است: «... امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از مکر این مارهای خوش‌خط و خال کوتاهی نکنند؛ اینها مروّج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن رسول الله! (خمینی، ۱۳۸۵ش).

۷ - توجه به عقل

در حالی که در بیشتر دوره‌های تاریخی بین اهل حدیث و ظاهرگرایان با عقل‌گرایان در مکاتب و مشرب‌های فکری - عقیدتی اهل سنت، اختلاف شدید وجود داشت، در بین شیعیان اثناعشری با وجود چنین گرایش‌هایی، درگیری و نزاع به وجود نمی‌آمد، زیرا برای آن‌ها عقل و نقل هر دو به‌عنوان منابع شناخت، مطرح بود و توجه به عقل به معنای رها کردن نقل و گرایش به نقل به معنای بی‌توجهی به عقل نبود و این یکی از امتیازات مکتب عقیدتی شیعه به حساب می‌آید. با وجود چنین برداشت حاکمی از عقل و نقل به عنوان منابع شناختی در مکتب شیعه، باز هم برخی از دانشمندان طراز اول این مکتب به سمت نقل و برخی نیز به سمت عقل گرایش بیشتری پیدا کردند. (ر.ک: سبحانی، ص ۲۲۶-۲۱۷).

این گرایش به سمت نقل و دور شدن از عقل، گذشته از محدود کردن فضای ذهنی برای صدور احکام فقهی و احتجاجات کلامی، نوعی تعصب غیر منطقی در رویارویی با دیگر مذاهب اسلامی ایجاد می‌کرد. از این رو با قاطعیت می‌توان گفت بیشتر کسانی که در گذشته مخالف طرح وحدت بین شیعه و سنی بودند و امروز هم با تمام وجود، «تقریب بین مذاهب اسلامی» را غیرممکن می‌دانند در طبقه ظاهرگرایان یا اهل حدیث یا نقل‌گرایان دو طرف عمده شیعه و سنی می‌گنجد.

شیخ طوسی نظر را واجب می‌داند و مراد او از نظر همان فکر است و تفکر هم خاص عقلاست. بنابراین تقلید کورکورانه صحیح نیست و هر کسی آزاد است بلکه لازم است که اظهارنظر کند و تفکر و نقل نماید، زیرا خداوند در مقام مذمت از کفار و مشرکین می‌فرماید: «وقتی حضرت ابراهیم قومش را به عقل و فکر تحریص می‌کند آنها از به کار انداختن این موهبت الهی استنکاف کرده و می‌گویند انا وجدنا آباءنا علی هذا...» (ر.ک: فاضل، ج ۳، ص ۵۴۴).

شیخ طوسی از جمله علمای بزرگی است که گرایش او به سمت عقل با وجود مشرب فکری و سببش، قوی‌تر از توجه او به نقل است و این از ویژگی‌های بارز شخصیتی این عالم فرزانه شیعه به شمار می‌رود. در گرایش عقلانی شیخ طوسی همین نکته بس که وقتی جریان عقل‌گرایی شیعه پس از شیخ مفید به سید مرتضی، معروف به علم الهدی، سرایت کرد، شیخ طوسی از جمله شاگردان سید مرتضی به شمار می‌رود که این جریان را کامل کرد و با آثاری چون «تمهید الاصول» در استحکام و گسترش دیدگاه مزبور نقش به‌سزایی ایفا کرد. (ر.ک: پیشین، ص ۲۲۴).

شهید مطهری درباره این ویژگی شیخ طوسی آورده است: «شیخ طوسی با آن که محدثی عظیم‌الشأن است و کتاب «تهذیب الاحکام» و کتاب «استبصار» او بهترین دلیل بر مدعاست، مسائل اصول دین را حق‌طلق عقل می‌داند به این معنا که تعبد و تقلید را در این مسائل جایز نمی‌شمرد. وی در عده الاصول به گروهی از جامدفکران که در شیعه پیدا شده‌اند، اشاره می‌کند و بر سبیل انتقاد می‌گوید: «اذا سئلوا عن التوحید والعدل او صفات الائمه او صحه النبوة قالوا روينا کذا» (مطهری، ۱۳۶۲ش، ص ۳۵۶) یعنی اگر از اینان در باب توحید یا عدل یا امامت یا نبوت پرسش شود به جای آن که به دلیل عقلی استناد کنند به ذکر روایات می‌پردازند.

نتیجه گیری و جمع بندی

اندیشه تقریب بین مذاهب و وحدت امت اسلامی، تنها از ناحیه دانشمندان بزرگ اسلامی که دارای مؤلفه‌های این اندیشه به معنای واقعی هستند می‌تواند ترویج شود و با صرف شعار و بیان و گفتار ظاهری هرگز عملی نمی‌گردد. شیخ طوسی از جمله علمای بزرگ اسلامی است که تمامی زمینه‌های لازم برای تقریب را تمام و کمال داراست؛ زمینه‌هایی چون عقل‌گرایی، دوری از جمود فکری، آزاداندیشی و پرهیز از تعصب قومی و نژادی و... که برای ورود به جریان تقریب، داشتن چنین زمینه‌هایی ضروری است. شیخ طوسی ضمن حفظ عقاید شیعی خود، در مباحث فقهی، کلامی و تفسیری هر جا که زمینه وحدت و تقریب بین امت اسلامی وجود داشت، وارد عمل می‌شد و بدون هیچ پروایی به بیان موضوع و طرح مسئله می‌پرداخت. برترین فکر تقریبی شیخ را می‌توان در کتاب «الخلافا» او یافت. برگزاری کرسی درس مشترک بین شیعه و سنی در بغداد و استقبال چشم‌گیر علمای بزرگ از این اقدام، بی‌شک جزء بی‌نظیرترین اقدامات یک عالم دینی در جهت تقریب و وحدت امت اسلامی در جامعه آن روز تلقی می‌شود که خوشبختانه بعد از قرن‌ها ترویج و توسعه این اندیشه، امروز ثمراتش در حال ظهور و بروز است.

منابع و مأخذ

- ۱ - جمعی از نویسندگان، *هزاره شیخ طوسی*، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- ۲ - _____، *یادنامه شیخ طوسی*، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸ ش.
- ۳ - _____، *دعوه التقرب بین المذاهب الاسلامیه*، دارالجواد، بیروت، بی‌تا.
- ۴ - جنّاتی، محمد ابراهیم، *همبستگی ادیان و مذاهب اسلامی*، انصاریان، قم، ۱۳۸۱ ش.
- ۵ - حسینی دشتی، سید مصطفی، *معارف و معاریف*، اسماعیلیان، قم، چاپ اول، ج ۳، ۱۳۶۹ ش.
- ۶ - خمینی، روح الله، *منشور روحانیت*، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه السلام، تهران، چاپ دهم تا بیست و ششم، ۱۳۸۵ ش.
- ۷ - خزائلی، محمد، *اسلام و حقوق تطبیقی؛ در هزاره شیخ طوسی*، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- ۸ - دشتی، محمد، *ترجمه نهج البلاغه*، آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)، مشهد، چاپ سوم، ۱۳۸۲ ش.
- ۹ - دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم، ج ۱۰، ۱۳۷۷ ش.
- ۱۰ - روضاتی، سید محمد علی، *امتیازات شیخ الطایفه؛ در هزاره شیخ طوسی*، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
- ۱۱ - سبحانی، محمد تقی، «*عقل‌گرایی و نص‌گرایی در کلام اسلامی*»، مجله نقد و نظر، سال اول، شماره سوم و چهارم.

- ۱۲ - صدر، سید رضا، *مقام فقهی شیخ طوسی؛ در هزاره شیخ طوسی*، امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- ۱۳ - صفاء ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، فردوس، تهران، چاپ دهم، ج ۲، ۱۳۶۹ش.
- ۱۴ - طوسی، محمد بن حسن، *التبیین*، تحقیق و تصحیح: احمد حبیب قصیر العاملی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ج ۳ و ۵، بی تا.
- ۱۵ - _____، *الخلاف*، تحقیق: جماعه من المحققین، موسسه النشر الاسلامی، قم، ج ۱ و ۲ و ۳ و ۴، ۱۴۰۷ق.
- ۱۶ - عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، *فقههای نامدار شیعه*، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۲ش.
- ۱۷ - فاضل، محمود، «مقدمه‌ای بر آراء و نظریات کلامی شیخ طوسی»، یادنامه شیخ طوسی، ج ۳.
- ۱۸ - کریمان، حسین، «مقام شیخ ابوجعفر طوسی در علم تفسیر»، یادنامه شیخ طوسی، ج ۳.
- ۱۹ - مطهری، مرتضی، *آشنایی با علوم اسلامی؛ اصول فقه و فقه*، صدرا، قم، چاپ پنجم، ۱۳۶۷ش.
- ۲۰ - _____، *الهامی از شیخ الطایفه؛ در هزاره شیخ طوسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
- ۲۱ - موسویان، سید محمد رضا، *اندیشه سیاسی شیخ طوسی*، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.

